

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۳، ویژه علوم سیاسی

تحزب از منظر امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۶ تاریخ تأیید: ۹۳/۱۰/۸

سیدروح الله لطیفی

چکیده

نظام مردم‌سالار جمهوری اسلامی ایران همچون هر نظام مردم‌سالار دیگری، عنایت ویژه‌ای به موضوع تحزب داشته است و آزادی احزاب یکی از وعده‌هایی بود که از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی رهبران انقلاب، بر آن تأکید می‌شد. بر این اساس یکی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی به آزادی فعالیت احزاب در نظام جمهوری اسلامی اختصاص یافت و قوانینی هم به منظور ضابطه‌مندسازی فعالیت احزاب و جلوگیری از سوء استفاده از فضای آزادی احزاب به تصویب رسید. در این میان با توجه به نقشی که رهبران انقلاب در تدوین سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی و ترسیم خطوط کلی حرکت انقلاب و نظام اسلامی دارند، اطلاع از موضع این رهبران نسبت به موضوعات مهم همچون «تحزب» یک ضرورت به شمار می‌رود. مقاله «تحزب از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری» به روش توصیفی - تاریخی تلاش کرده است تا با مراجعه به منابع و اسناد معتبری که در برگزیده دیدگاه‌ها و مواضع رهبران انقلاب نسبت به موضوع تحزب می‌باشد، دیدگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری را در این زمینه به دست بیاورد که در مجموع به این نتیجه رسیده است که هر دو بزرگوار نسبت به اصل «تحزب» نگاه مثبتی دارند و دیدگاه‌های مخالفی هم که در این زمینه ممکن است مطرح شود، مخالفت با اصل تحزب نبوده بلکه مربوط به امور دیگری بوده است که به صورت ضمنی به ناکارآمدی فعالیت احزاب در جامعه منجر می‌شود و در نتیجه این مخالفت‌ها هم، گامی در جهت تقویت تحزب بوده است.

واژه‌های کلیدی: حزب، تحزب، امام خمینی، مقام معظم رهبری، رهبران نظام جمهوری اسلامی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

که دور افرادی مجتمع می‌شدند حزب می‌نامیدند. باشگاه‌هایی را که محل اجتماع نمایندگان مجالس انقلابی بود و همچنین کمیته‌هایی را که فراهم آورنده مقدمات انتخابات با شرط میزان پرداخت مالیات رای دهندگان بودند حزب می‌گفتند. در برابر این گروه‌ها، دسته‌های دیگر مرکز از سازمان‌های وسیع مردم که مبین افکار عمومی در دموکراسی‌های نوین هستند نیز حزب نامیده می‌شوند (دوورژه، ۱۳۵۷، ص ۲۳).

ب. تعریف اصطلاحی

احزاب سیاسی به معنای اصطلاحی آن پدیده‌هایی نو هستند. این احزاب همراه با دموکراسی - با توسعه پارلمان‌ها و انتخابات - بعد از انقلاب فرانسه و آمریکا به وجود آمدند و در آغاز «احزاب بزرگان» بودند. یعنی کمیته‌های انتخاباتی نسبتاً کوچک، مرکب از افرادی که در حوزه انتخابیه یا منطقه انتخاباتی خود دارای نفوذ و ثروت بودند. با گسترش تدریجی حق رای و افزایش قدرت مجالس انتخابی، احزاب سازمانی دائمی‌تر در مقیاس ملی به دست آوردند. اما تحول عمده بعدی، تنها نزدیک به پایان قرن نوزدهم با ظهور احزاب کارگری و سوسیالیست (نخست در آلمان و اتریش) به وجود آمد که هدفشان گردآوری اعضاء انبوه نه تنها برای تامین هزینه‌های مبارزات انتخاباتی و فعالیت‌های دیگر، بلکه هم‌چنین به عنوان وسیله آموزش و مشارکت سیاسی بود. از این زمان حزب دائمی توده‌گیر به صورت عامل مسلط در سیاست جوامع سرمایه‌داری غرب درآمد و در قرن بیستم به اشکال مختلف در سراسر دیگر نقاط دنیا نیز گسترش یافته است (باتامور، ۱۳۶۶، ص ۶۴).

با تمامی این احوال تعریف حزب همچون اکثر مفاهیم و اصطلاحاتی که در علوم انسانی و اجتماعی رواج دارد با دشواری‌هایی همراه است به گونه‌ای که امکان ارائه یک تعریف واحد از آن را با چالش مواجه می‌سازد.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در مجموع با بررسی تعاریف مختلف مربوط به حزب درمی‌یابیم که امروزه تعریف واحد و مشخصی از حزب که بتوان بر روی آن توافق عمومی نمود وجود ندارد و عمده تعاریفی که در مورد احزاب به کار رفته است تعاریفی است که نمی‌توان آنها را جامع و مانع دانست.

بنابراین به نظر می‌رسد بهتر باشد به منظور تعریف حزب از «غیریت‌سازی» استفاده نماییم به این معنا که هر آنچه را که در جامعه به عنوان حزب شناخته می‌شود را مورد بررسی قرار دهیم و با مولفه‌هایی که گروهی را یقیناً از حزب بودن خارج می‌سازد مورد مقایسه قرار دهیم و در صورتی که فاقد این ویژگی‌ها بود، نام حزب را بر آن اطلاق نماییم. به عنوان مثال حزب در عرف سیاسی، به گروه‌های فعال در عرصه سیاسی اطلاق می‌شود و به همین جهت اگر گروهی شبیه به حزب بود ولی صرفاً به دنبال فعالیت‌های خیریه مثل حمایت از کودکان سرطانی می‌باشد نمی‌توان حزب اطلاق کرد. لذا از آنجایی که فعالیت سیاسی یکی از مولفه‌های قطعی احزاب می‌باشد به این ترتیب گروه‌های هم‌فکری که تشکیلاتی همچون حزب دارند و برخی کارویژه‌های حزبی همچون آموزش مردم را هم انجام می‌دهند ولی موضوع فعالیتشان سیاسی نیست قطعاً از شمول این تعریف خارج می‌شوند. البته در انتخاب کارویژه حزبی نیز باید مولفه‌هایی را به عنوان مولفه‌ها و کارویژه‌های حزبی قبول کرد و براساس آن به بررسی احزاب پرداخت که این مولفه‌ها مورد قبول همگان باشند به گونه‌ای که هر کسی با هر فهمی و با تعلق به هر دیدگاهی، آن را به عنوان کارویژه حزبی بداند که به نظر می‌رسد این کارویژه‌های مشترک، عبارتند از فعالیت سیاسی به شکل منسجم و هماهنگ با اعضای حزب، تلاش برای کسب قدرت، تلاش برای ارتقای جامعه پذیری سیاسی.

بر این اساس در تعریف جامع حزب سیاسی، بهتر است این تعریف مورد استفاده قرار گیرد: «حزب سیاسی عبارت است از یک تشکل منسجم و هماهنگ که با هدف نیل به اهداف



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته
پرتال جامع علوم انساني

وی در مورد اختلافات میان این دو حزب در همان ابتدای تشکیل، این اختلافات را به اندازه‌ای عمیق می‌داند که حتی کار به کشت و کشتار هم می‌انجامد (همان، ص ۱۱). هم‌چنین یکی از ویژگی‌های مهم تحزب در دوران اولیه پیدایش خود، وابستگی احزاب به قدرت‌های سلطه‌گر اجنبی بود (همان).

یکی دیگر از ویژگی‌های احزاب سیاسی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به ویژه در دوران پهلوی دوم، وابستگی آنها به نهاد قدرت بود که این وابستگی در اواخر این دوران به شکل چشمگیری گسترش یافته بود به گونه‌ای که آخرین حزب شاه ساخته یعنی حزب رستاخیز رسماً به فرمان شاه تشکیل شده بود (رک، صارمی، ۱۳۷۸).

بنابراین، ساختار استبدادی مطلق شاهنشاهی اساساً اجازه هرگونه فعالیت حزب سیاسی مستقلی را نمی‌داد و رژیم شاه با انحلال احزاب قدرت ساخته مردم و ملیون و تشکیل حزب واحد رستاخیز اثبات کرد که حتی تحمل دو حزب خودساخته را نیز ندارد.

با پیروزی انقلاب اسلامی تحزب وارد مرحله‌ای جدید از حیات خود در تاریخ ایران شد. این مرحله با تدوین قانون اساسی که در آن به احزاب و گروه‌های سیاسی به عنوان یکی از بخش‌های مهم جامعه جدید انقلابی اهمیت ویژه‌ای داده شده بود و نیز تأکیدی که نظام اسلامی بر حقوق و آزادی‌های سیاسی مشروع داشت آغاز شد. در این میان با توجه به ضرورت‌هایی که برای آزادی فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی در جامعه بود، از همان ابتدا احزاب و گروه‌های سیاسی فراوانی به صورت خودجوش شروع به فعالیت نمودند. این دسته از احزاب و گروه‌ها بر دو دسته بودند: دسته‌ای که سابقه فعالیتشان به دوران پیش از انقلاب اسلامی باز می‌گشت، که فعالیت اکثریت آنها توسط رژیم سابق ممنوع شده بود و یا اینکه خود، کار خود را متوقف نموده بودند. دسته دوم نیز احزاب و گروه‌هایی بودند که به دنبال



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علوم انسانیت

پیروزی انقلاب اسلامی، احزاب و گروه‌های سیاسی شکل منسجم و قانونی خاصی نداشتند و هر شخص و گروهی حتی با تعداد انگشت شماری که داشت و گاه بدون در نظر گرفتن اولین شرایط و موازین فعالیت‌های حزبی در جهان، اعلام تشکیل حزب می‌نمود که همه این مسائل ضرورت شفاف شدن نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مندرج در اصل ۲۶ قانون اساسی را به صورت رسمی و قانونی آشکار کرد. بر این اساس در سال ۱۳۶۰ قانونی در مجلس به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید که تا حدود زیادی این خلاء قانونی را پر نمود که از آن به نام «قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی» یاد می‌شود. از این مقطع بود که فعالیت احزاب شکل ضابطه‌مندی به خود گرفت و در نتیجه احزاب به صورت رسمی به دو نوع حزب یعنی «احزاب قانونی» و «احزاب غیر قانونی» تقسیم‌بندی شدند.

تحزب از منظر رهبران نظام جمهوری اسلامی

همان گونه که اشاره شد با پیروزی انقلاب اسلامی و فراهم شدن فضای آزاد، زمینه برای فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف در کشور فراهم شد. در این میان یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در فضای سیاسی جدید مطرح شده و لازم بود تا دیدگاه انقلاب اسلامی نسبت به آن مشخص گردد موضوع «احزاب» در جامعه بود.

از طرفی یکی از راه‌هایی که واکنش هر انقلابی نسبت به موضوعات مختلف از جمله موضوع احزاب را مشخص می‌کند، موضع رهبران انقلاب در آن زمینه می‌باشد. بررسی این موضوع علاوه بر کشف موضع رهبران نظام نسبت به مسئله «تحزب»، با توجه به نقشی که تحزب در نظام‌های مردم‌سالار دارد میزان واقعی بودن اهتمام آن نظام و انقلاب نسبت به این موضوع و موضوعات مرتبط همچون مردم‌سالاری را نیز محک می‌زند و در نتیجه نقش مهمی



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز

حزب‌سازی دشمن درست کردن است. هی این یکی از آن طرف بکشد؛ آن از آن طرف بکشد، آن از آن طرف بکشد. همه تحت یک رایت باشید. همه تحت یک پرچم باشید؛ همان پرچمی که شما را پیروز کرده است تا حالا، از این به بعد هم دنبال همان باشید. و اگر باشید، ان‌شاءالله پیروز خواهید شد ... (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۲۹۹).

با این حال و علی‌رغم دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام نسبت به اتحاد همه افراد تحت لوای یک پرچم آنچه در عالم خارج وجود دارد، تحقق احزاب مختلف است که این مسئله حتی در میان مسلمانان و انقلابیون طرفدار مکتب امام خمینی علیه السلام نیز به چشم می‌خورد که مستلزم ابراز نظر حضرت امام نسبت به موضوع حزب فراتر از اصل اولیه مورد اعتقادشان و با نگاه به واقعیت خارج می‌باشد.

از طرفی در بررسی دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام نسبت به احزاب مختلفی که در عالم خارج وجود پیدا می‌کنند، متوجه می‌شویم که دو نوع دیدگاه از ایشان نسبت به احزاب ثبت شده است:

۱. دیدگاه منفی

برخی عبارتهای نقل شده از حضرت امام خمینی علیه السلام نشان دهنده دیدگاه منفی و اوج مخالفت حضرت امام خمینی علیه السلام با وجود احزاب در جامعه می‌باشد و حتی آن را توطئه دشمنان می‌خوانند. به عنوان مثال بخشی از این دیدگاه‌ها عبارتند از:

حزب‌سازی دشمن درست کردن است. هی این یکی از آن طرف بکشد؛ آن از آن طرف (همان).

ایجاد احزاب مختلفه، از صدر مشروطیت به این طرف، تمام برای تفرقه بود؛ و تمام برای این بود که مسلمین با هم مجتمع نباشند. ایجاد تفرقه بین مذاهب - مذاهب مسلمین - برای



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی

می‌کرد که ایشان با فعالیت احزاب مخالف بوده و قصد ایجاد حزبی واحد به نام حزب مستضعفین همچون حزب رستاخیز زمان شاه یا حزب کارگر شوروی را دارند چنین فرمودند:

«این نکته را باید تذکر بدهم که ما که گفتیم حزبی به نام «حزب مستضعفین» در همه دنیا، معنایش این نبود که حزب‌های صحیحی که در ایران هست نباشد. حزب‌های منطقه‌ای علی‌حده است و حزب تمام مناطق و تمام جاها یک حزب دیگر است. اگر ان‌شاء الله مسلمین موفق بشوند و یک همچو حزبی که «حزب مستضعفین» است، برای همه جاها یک همچو حزبی را تأسیس کنند، بسیار بموقع است؛ لکن [به] معنای این نیست که در محل و در منطقه‌ها حزب نباشد. خیر، در منطقه‌ها احزاب هستند و آزاد هم هستند، مادامی که توطئه معلوم نشده است ...» (همان، ج ۹، ص ۳۳۹).

جمع دیدگاه‌ها

با توجه به دیدگاه‌های ظاهراً متعارض حضرت امام نسبت به احزاب باید راهی برای جمع این دیدگاه‌ها با یکدیگر پیدا نمود، که به نظر می‌رسد بهترین راه برای جمع این دیدگاه‌ها مراجعه به متن فرمایشات ایشان می‌باشد. از طرفی وقتی به متن فرمایشات حضرت امام و نیز سیره عملی ایشان در دوران رهبری انقلاب اسلامی مراجعه می‌کنیم، در می‌یابیم که ایشان با اصل تحزب و شکل‌گیری احزاب در جامعه مخالفتی نداشته و نشانه بارز آن هم تشکیل حزب جمهوری اسلامی توسط نخستین حلقه شاگردان و یاران انقلابی ایشان و عنایت حضرت امام نسبت به این حزب و اعضای آن می‌باشد. بنابراین باید به دنبال علت دیدگاه‌هایی باشیم که ظاهراً حاکی از مخالفت با شکل‌گیری احزاب در جامعه می‌باشد، که این مسئله نیز تنها با مراجعه به متن فرمایشات به ظاهر مخالف و جستجوی علت بیان این مخالفت‌ها قابل حل است.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

ایجاد کنند. ... احزاب درست می‌کردند در کشور. این اختصاص به کشور ما ندارد، همه کشورها احزابی که درست می‌کردند دو طایفه را به جان هم می‌انداختند. حزب‌ها غافل بودند، رؤسای احزاب غافل بودند که اینها دارند چه می‌کنند. هر حزبی دشمن حزب دیگری بود و هر قشری دشمن قشر دیگر. پس ما می‌بینیم که آن چیزی که آنها اصرار به آن دارند این است که ما با هم مجتمع نشویم، ما با هم برادر نباشیم، مسلمان‌ها در هر جا که هستند با اشکال مختلفه [باشند] (همان، ج ۱۵، ص ۴۷۱).

۲. احزابی که در شرایط ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی که کشور نیازمند ثبات و بازسازی بود به آفتی در راه ثبات و بازسازی تبدیل شده بودند، به عنوان نمونه امام خمینی علیه السلام در این زمینه معتقد بودند:

این اختلافات و این مسائلی که همه ضرر بر کشور ماست، همه مضر بر ملیت ما، بر اسلام ماست، از اینها دست بردارند؛ گروه گروه نشوند. این گروه، گروه شدن اسباب این می‌شود که مسائل عقب بیفتد. ... ما می‌خواهیم این گروه‌ها همه برگردند یک گروه بشوند، و آن گروه اسلامی که برای این مملکت مفید باشند؛ خدمت بکنند به این کشور؛ این نابسامانی‌هایی که هست، این خرابی‌هایی که هست، ترمیم بکنند. این اختلافات و گروه، گروه درست کردن، نمی‌گذارد ترمیم بشود؛ نمی‌گذارد دولت کارش را انجام بدهد؛ نمی‌گذارد که مردم به کارشان برسند ... (همان، ج ۸، ص ۲۶۶).

۳. احزابی که ساخته و پرداخته دولت‌های مستبد باشند و در واقع فلسفه وجودی و ویژگی اصلی حزب را که باید خود، قدرت ساز باشد و نه متأثر از قدرت، نداشته باشند همچون احزاب ساخته و پرداخته رژیم پهلوی، چنان که امام خمینی علیه السلام در این زمینه می‌فرمودند:



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

برای اینکه کلاه سر ما بگذارند. اگر نمایش بدهند که اینها اختلاف دارند، اختلاف اساسی ندارند (همان، ج ۱۲، ص ۲۵).

شیاطینی که در خارج نشستند و نقشه کشیدند برای نابودی همه ما، خود ما را وادار می‌کنند که تیشه به ریشه خودمان بزنیم. توجه به این معنا داشته باشند که در صدر مشروطیت که احزاب مختلف پیدا شد، دنبال آن پیروزی که ملت پیدا کرده بود، این احزاب مختلف به جان هم افتادند و این کشور را تباہ کردند. شما گمان نکنید که احزابی که در ممالک دیگری هست، در صدر مشروطیت در انگلستان بود، آن احزاب با همان کاری که آنها می‌کردند و حزب بازی می‌کردند ماها را به اختلاف می‌کشیدند، و خود آنها با هم دشمنی نداشتند. هیچ حزبی برضد مصالح کشور خودش عمل نمی‌کرد. اگر هم با هم اختلاف سلیقه یا اختلاف رویه داشتند، عاقلانه بود؛ با حساب بود. این‌طور نبود که یک دسته دسته دیگر را آن‌چنان تضعیف کنند که کشورشان آسیب ببیند. مع‌الأسف همان احزابی که در آنجا بودند به ما نمایش می‌دادند که کشور باید احزاب داشته باشد و احزاب هم باید مخالف با هم باشند، ما را و احزاب ما را، روبروی یکدیگر قرار می‌دادند و به ضرر هم صحبت می‌کردند و به ضرر هم قلم‌فرسایی می‌کردند؛ و نتیجه این شد که به ضرر کشور بود. طرز احزاب در سایر کشورهای بزرگ، از قبیل شوروی - اگر باشد احزابی در آن - و از قبیل انگلستان، فرانسه، امریکا، با وضع احزاب در مملکت امثال ما مختلف است ... هیچ وقت نخواهید دید که دو حزب در امریکا باشد که یکی‌شان یا هر دویشان برخلاف مصلحت امریکا عمل کنند (همان، ج ۱۴، ص ۴۸).

۵. احزابی که در صدد توطئه هستند. بنابراین امام از همان روزهای اولیه تأکید داشتند که آزادی سیاسی آری، آزادی توطئه هرگز:

در منطقه‌ها احزاب هستند و آزاد هم هستند، مادامی که توطئه معلوم نشده است (همان،

ج ۹، ص ۳۳۹).



پښتونستان د علوم او انساني مطالعات فریښتی
پرتال جامع علوم انسانی

«من خودم قبل از پیروزی انقلاب، سال‌های متمادی دنبال همین تحزب بودم. بعد هم دو، سه سال به پیروزی انقلاب مانده بود که ما نشستیم و یک حزب را پایه‌ریزی کردیم. البته آن وقت تشکیل حزب خیلی خطرناک بود؛ چون به ما که اجازه نمی‌دادند؛ باید مخفی می‌بود و کار مخفی هم واقعاً خطر داشت ... لذا این طور بود که ما آن وقت مصلحت نمی‌دانستیم که بیاییم اساسنامه‌ی حزبی برای این تشکل درست کنیم. البته تشکل بود، ارتباطات بود؛ حتی بعد از آن هم که من در سال پنجاه و شش به ایرانشهر تبعید شده بودم، ارتباط حزبی ما برقرار بود؛ ... تا این که پیروزی انقلاب شد و ما همان چند روز اول نشستیم و آن اساسنامه را تدوین کردیم و حزب را راه انداختیم» (بیانات رهبری در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴).

البته همان گونه که ایشان اشاره دارند آنچه که پیش از انقلاب اسلامی به وجود آمده بود ارتباط از نوع تشکل و ارتباط حزبی بود و نه حزب به معنای واقعی کلمه و حزب جمهوری اسلامی حزبی بود که در ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ و در شرایطی که تنها هفت روز از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذشت رسماً در فضای سیاسی کشور اعلام موجودیت کرد. اعضای هیات مؤسس این حزب، شهید بهشتی، شهید باهنر، مقام معظم رهبری، هاشمی رفسنجانی و موسوی اردبیلی بودند. و اولین دبیرکل آن شهید دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی بود. با این حال حزب در همان سال‌ها و ماه‌های آغازین فعالیت خود، دو دبیرکل را در جریان انفجارهای تروریستی منافقین، یکی پس از دیگری از دست داد. تا اینکه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۶۰ و به دنبال شهادت شهید دکتر باهنر به دبیرکلی این حزب برگزیده شد.

بنابراین با توجه به سیره عملی مقام معظم رهبری در دوران پیش از رهبری ایشان، درمی‌یابیم که ایشان نه تنها با اصل حزب و تحزب در کشور مخالفتی نداشتند، بلکه خود هم



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی به موافقت خود با اصل تحزب اشاره کرده و فرمودند:

«من به حزب به معنای صحیحش معتقدم» (همان). ایشان در جایی دیگر نیز دوباره به مسئله تحزب پرداخته و در باره دیدگاه خود درباره اصل تحزب چنین فرمودند:

«به طور اجمال بگویم ما با تحزب مطلقاً مخالف نیستیم. این که خیال کنند ما با حزب و تحزب مخالفیم، نه، این طور نیست. قبل از پیروزی انقلاب، پایه‌های یک حزب بزرگ و فعال را خود ما ریختیم؛ اول انقلاب هم این حزب را تشکیل دادیم، امام هم تأیید کردند، چند سال هم با جدیت مشغول بودیم؛ البته بعد به جهاتی تعطیل شد. همان وقت به ما اشکال می‌کردند که تحزب با وحدت عمومی جامعه مخالف است. من آن وقت یک سخنرانی مفصلی کردم، که بعد هم پیاده شد و چاپ شد و پخش شد؛ تحت عنوان «وحدت و تحزب». تحزب می‌تواند در جامعه انجام بگیرد، در عین حال وحدت هم صدمه‌ای نبیند؛ اینها با هم منافاتی ندارد» (بیانات رهبری در دیدار با دانشگاهیان استان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هم چنین در برخی موارد به شایعاتی که درباره مخالفت ایشان با مسئله تحزب القاء می‌گردد، اشاره کرده و می‌فرمودند:

«بعضی کسان می‌گویند فلانی با حزب و تحزب مخالف است؛ در صورتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اولین حزب را ما درست کردیم. اگر تحزب به معنای واقعی کلمه وجود داشته باشد، من طرفدار آن هستم.» (بیانات رهبری در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲).



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز

اینها در واقع باشگاه‌های کسب قدرتند. این نه، هیچ وجهی ندارد» (بیانات رهبری در دیدار با دانشگاهیان استان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در توضیح هر کدام از این دو نوع حزب، مطالبی دارند که برای درک کامل موضوع بسیار مهم است. به عنوان مثال ایشان در توضیح نوع اول حزب معتقدند:

«یک حزب این است که مجموعه‌ای از صاحبان فکر سیاسی یا اعتقادی و یا ایمانی می‌نشینند و تشکلی درست می‌کنند و میان خودشان و آحاد مردم کانال‌کشی می‌کنند و مردمی را با خودشان همراه می‌کنند، تا فکر خود را به آنها برسانند. کانون‌های حزبی تشکیل می‌شود، هسته‌های حزبی تشکیل می‌شود، سلول‌های حزبی تشکیل می‌شود و اینها در این مرکز می‌نشینند و افکاری را که خودشان به آن اعتقاد دارند و پای آن ایستاده‌اند - چه فکر سیاسی، چه فکر غیرسیاسی، چه فکر دینی، چه فکر غیردینی - در این کانال‌ها می‌ریزند و این افکار به تک‌تک افراد می‌رسد و آن مردمی که اینها را قبول می‌کنند، با اینها پیوند پیدا می‌کنند. به نظر من، این سبک تحزب، منطقی است. «حزب جمهوری اسلامی» بر این اساس تشکیل شده بود و همین‌طور بود.

البته به طور طبیعی اگر حزبی با این خصوصیات، در مرکز خودش توانست آدم‌های با فکرتر و زبده‌تر و خوش‌فکرتری داشته باشد، می‌تواند تعداد بیشتری را با خودش همفکر کند. نتیجه این خواهد شد که وقتی انتخاباتی پیش آمد، تا از طرف مرکزیت این حزب چیزی گفته شد، آن مردم از روی اعتقاد خودشان بر طبق آن عمل می‌کنند؛ یا حتی بدون این که آن مرکزیت چیزی بگوید، چون معیارهایشان یکی است، با یکدیگر همفکرند» (بیانات رهبری در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴).



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

مسئله «قدرت» است؛ در حالی که هدف از حزب در نوع مطلوب آن هدایت فکری مردم به سمت اعتقاد درست می‌باشد، هر چند در این مسیر مسئله قدرت به صورت تبعی همراه با حزب مطرح می‌گردد:

«در تحزب بایستی کسب قدرت مورد نظر نباشد. اگرچه کسب قدرت برای یک حزب موقّق یک امر قهری است - یعنی وقتی که پای انتخابات به میان آمد، شما که حزبی دارید و طرفداران زیادی دارد و مردم با شما همفکرند، به‌طور طبیعی نمی‌توانید بی‌تفاوت باشید که مثلاً این فرد رئیس جمهور شود یا آن شخص دیگر؛ لابد به یکی عقیده دارید. به‌طور طبیعی این عقیده‌ی شما اثر می‌گذارد و رأی دهندگان به او زیاد خواهند شد - اما هدف حزب نباید به‌دست آوردن قدرت باشد. هدف بایستی هدایت فکری مردم به سمت آن فکر درستی باشد که خود شما به آن اعتقاد دارید. این عقیده‌ی من درباره‌ی تحزب است» (همان).

ج. وضعیت احزاب موجود جمهوری اسلامی

مقام معظم رهبری به دنبال ارائه معیاری برای احزاب مطلوب و نامطلوب از دیدگاه ایشان به ارائه مصداقی از احزاب مطلوب نیز پرداخته و تنها حزبی را که با معیار مذکور سازگار می‌باشد، حزب جمهوری اسلامی می‌داند که آن هم در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی توسط اعضای هیات مرکزی منحل شده است. اما در مورد میزان هم‌نوایی سایر احزاب پس از پیروزی انقلاب اسلامی با این معیارها معتقدند:

«البته چنین چیزی الان در کشور ما نیست. شاید به شکل خیلی ناقصش یکی، دو نمونه در گوشه و کنار پیدا شود؛ اما بعد از «حزب جمهوری اسلامی» - که ما تعطیلش کردیم - دیگر چنین چیزی را به این شکل من سراغ ندارم» (همان).



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

ثانیاً: «اگر کسانی در داخل کشور ما با این شیوه دنبال تحزب می‌روند، ما جلویشان را نمی‌گیریم. اگر کسی ادعا کند که نظام جلوی تشکیل احزاب را گرفته است، یک دروغ واضحی گفته؛ چنین چیزی نیست؛ اما من اینجور حزبی را تأیید نمی‌کنم» (بیانات رهبری در دیدار با دانشگاهیان استان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

نتیجه‌گیری

امروزه احزاب در نظام‌های مردم‌سالار جایگاه خاصی دارند، به گونه‌ای که می‌توان گفت یکی از مشخصه‌های برجسته نظام‌های مردم‌سالار، عبارت است از آزادی فعالیت احزاب در آن نظام. از این روی نظام مردم‌سالار جمهوری اسلامی ایران نیز، عنایت ویژه‌ای به موضوع تحزب داشته است و در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز این موضوع «تحزب» مورد توجه قرار گرفته است.

در این میان با توجه به نقشی که رهبران سیاسی انقلاب در تدوین سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی و ترسیم خطوط کلی حرکت انقلاب و نظام اسلامی دارند اطلاع از موضع این رهبران نسبت به موضوعات مهم هم‌چون «تحزب» یک ضرورت به شمار می‌رود. از این روی در این تحقیق به بررسی موضع رهبران نظام در قبال این موضوع پرداخته شد که در مجموع این نتیجه را در پی داشت که هر دو رهبری که نظام جمهوری اسلامی تاکنون به خود دیده است، نسبت به اصل «تحزب» نگاه مثبتی دارند. با این حال دیدگاه‌های مخالفی هم از سوی رهبران انقلاب نسبت به تحزب، مطرح شده است که با بررسی و جمع‌بندی نهایی می‌توان دریافت که موضوع این مخالفت‌ها، اصل تحزب نبوده است بلکه امور دیگری بوده است که به صورت ضمنی به ناکارآمدی فعالیت احزاب در جامعه منجر می‌گردد و در نتیجه این مخالفت‌ها هم گامی در جهت تقویت تحزب نبوده است. به عنوان مثال امام خمینی رحمته الله علیه



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

فهرست منابع

۱. امام خمینی (۱۳۸۶)، صحیفه امام، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. باتامور، تام (۱۳۶۶)، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: انتشارات کیهان.
۳. بهار، محمدتقی (۱۳۷۱)، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری.
۵. دوورژه، موریس (۱۳۵۷)، احزاب سیاسی، ترجمه دکتر رضا علومی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۶. _____ (۱۳۶۹)، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۷. صارمی شهاب، اصغر (۱۳۷۸)، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۸. غفوری محمد (۱۳۷۸)، آیین‌های حزبی و آیین‌های انتخاباتی، اطلاعات سیاسی^۰ اقتصادی، ش ۱۴۷ و ۱۴۸.
۹. مارتین لیپست سیمور (۱۳۸۳)، دائرة المعارف دموکراسی، ترجمه به سرپرستی کامران فانی و نورالله مرادی، ج ۲، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۰. محمدی نژاد، حسن (۱۳۵۵)، احزاب سیاسی، تهران: انتشارات امیر کبیر.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان جامع علوم انساني